

زبان فارسی و گویش های ایرانی

سال پنجم، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۹

نوع مقاله: پژوهشی صفحات ۲۶۱-۲۷۳

بررسی تاریخی بن ماضی افعال در زبان بلوچی امروز (گویش های بلوچی غربی)

دکتر شیما جعفری دهقی^۱

دکتر سعید دامنی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۳

چکیده

بن ماضی افعال با نشانه های متنوع در گویش های مختلف زبان بلوچی، اهمیت خاصی دارد. این مقاله در پی آن است تا با روشی توصیفی و دیدگاهی در زمانی و هم زمانی به بحث ساخت واژگی بن ماضی در زبان بلوچی بپردازد. منابع پایه، ۲۰۱ فعل ساده بلوچی - گویش بمپوری - است. پس از ارائه فهرست افعال، موارد آوایی و بسامد آنها تبیین می شود. این افعال، بر اساس تکواژ ماضی سازی که می گیرند مرتب شدند. یافته ها نشان می دهد که بن ماضی در بلوچی به ۱۰ صورت مشخص می شود. از اینها، ۵ صورت باقاعده و ۵ صورت بی قاعده هستند^(۱). این اختلاف صورت ها ۴ دلیل عمده دارد: ۱- صورت بن ماضی بازمانده صورت های تاریخی باشد؛ ۲- بافت واجگانی بن ماضی باعث اختلاف صورت ها شود؛ ۳- اختلاف در گویش ها باعث تنوع صورت های بن ماضی شده باشد؛ ۴- بن ماضی از طریق قیاس با افعال دیگر ساخته شده باشد.

واژگان کلیدی: بلوچی، گویش بمپوری، بن ماضی

✉ sh.jaafari@velayat.ac.ir

۱. استادیار فرهنگ و زبان های باستانی ایران، دانشگاه ولایت ایرانشهر

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولایت ایرانشهر

۱- مقدمه

بلوچی از زبان‌های دسته «شمال غربی ایرانی» است که از طریق زبان‌های ایرانی به گروه «زبان‌های هندوایرانی» و از آنجا به خانواده «زبان‌های هندواروپایی» متصل می‌شود. این زبان بعضی از ویژگی‌های زبان‌های ایرانی شرقی را نیز در خود می‌نماید (جهانی، ۲۰۰۱: ۵۹). زبان بلوچی توسط برخی از زبان‌شناسان اروپایی مورد مطالعه قرار گرفته است (نک. مالرب، ۱۳۸۶: ۲۲۳-۲۲۴؛ کاتسندر، ۱۳۷۶: ۱۹۴-۱۹۵؛ کامری و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۶).

پژوهشگران برای زبان بلوچی دو گویش عمده شرقی و غربی در نظر می‌گیرند. قبایل مری و بگتی به گویش شرقی تکلم می‌کنند. گویش غربی به دو زیرگویش مکرانی / جنوبی با گونه‌های ساحلی، کچی، لاشاری؛ و سرحدی / رخشانی / شمالی با گونه‌های پنجگوری، سراوانی، سرحدی، کلاتی قابل تقسیم است (رضایی باغییدی، ۱۳۸۸: ۱۸۱). از پذیرفته‌ترین نظرها درباره رده‌بندی گویش‌های بلوچی، نظریه ژوزف الفنباین است. او بر مبنای بعضی از خصوصیات واجی و واژگانی، در رده‌بندی اولیه، دو گویش شرقی و غربی را پیشنهاد می‌دهد، و در رده‌بندی فرعی‌تر، شش زیرگویش را به شرح زیر مطرح می‌کند: گویش‌های ارتفاعات شرقی، رخشانی، سراوانی، کچی، لاشاری، گویش‌های سواحل دریای عمان (الفنبین، ۱۹۸۹: ۳۵۹).

امروزه، بلوچی غربی بیشتر نام زبان بلوچی را پوشش می‌دهد و اگر نامی از بلوچی برده می‌شود، بیشتر منظور همین گویش‌های سرحدی و مکرانی است. به این گویش غربی گاهی نام بلوچی عام^۱ هم داده می‌شود. زیرگویش‌هایی از زبان بلوچی که در مرزهای ایران کنونی تکلم می‌شوند، همه وابسته به گویش غربی هستند. مطالب این مقاله، بیشتر مرتبط با بلوچی گویش غربی در حوزه جغرافیایی ایران امروز است. گویشوران این زبان، اکنون، به‌طور عمده در بخش‌هایی از جنوب غربی کشور پاکستان، در جنوب شرق ایران در استان سیستان و بلوچستان، به‌صورت پراکنده در چند استان دیگر در ایران، در بخشی از جنوب افغانستان، در داخل و اطراف کشورهای حوزه خلیج فارس زندگی می‌کنند. گروه‌های کوچک‌تری از بلوچ‌زبانان به صورت جمعیت‌های پراکنده قبیله‌ای یا خانوادگی در مَرُو، در کشور ترکمنستان و در بعضی از کشورهای آفریقایی و اروپایی به سر می‌برند. کارینا جهانی (۲۰۰۱: ۵۹) جمعیت آنها را بین ۵ تا ۸ میلیون نفر تخمین زده‌است.

1. Common Balochi

از لحاظ تاریخی، تاکنون از دوران باستان و میانه زبان بلوچی اثری به دست نیامده است. آنچه از کهن‌ترین مستندات این زبان در دسترس است، تعدادی شعر حماسی است که ماجراهایی مربوط به حدود ۶۰۰ سال پیش را بازگو می‌کند و به صورت شفاهی نقل شده و اکنون حدود ۱۵۰ سال است که بعضی از آنها نوشته شده. با این حال، با کمک زبان‌های خویشاوند و موازی آن، می‌توان به بسیاری از ویژگی‌های این زبان دست یافت و حتی بازسازی‌هایی کرد.

تنوع در گویش‌های زبان بلوچی و ایجاد مشکلاتی برای خواندن و نوشتن و فهم متقابل آن باعث شده است که پژوهشگران و علاقه‌مندان به زبان بلوچی، به معیار قرار گرفتن یکی از گویش‌های این زبان به عنوان «بلوچی معیار»^۱ و پیروی از شیوه نگارشی واحد برای نوشتن آن گرایش یابند. اگرچه این علاقه‌مندی هنوز به موفقیت نرسیده است، اما کوشش‌ها ادامه دارد. این مقاله نیز می‌کوشد تا به معیارسازی یک مقوله ساخت‌وازی؛ توصیف بن ماضی افعال، کمک کند. در این مقاله به ساختمان بن ماضی فعل در بلوچی گویش‌های غربی با توجه به صورت‌های باقاعده و بی‌قاعده با تبیین بافت آوایی-هجایی پرداخته‌ایم. از آنجا که گویش شرقی تفاوت‌های شاخصی در این زمینه با گویش‌های غربی دارد، آگاهانه، به گویش شرقی پرداخته‌ایم.

درباره ساخت بن ماضی در زبان بلوچی، پیش از این، پژوهش‌هایی شده است: ساخت بن‌های مضارع و ماضی بلوچی گویش سرحدی در مقایسه با فارسی میانه و نو (برجسته دلفروز، ۲۰۰۳: ۱۹-۳۱)؛ ساخت باقاعده و بی‌قاعده افعال ساده بلوچی گویش بمپوری در مقایسه با فارسی (محمودزهی، ۱۳۷۷؛ ۱۳۸۵: ۱-۱۶)؛ شکل‌گیری بن‌های مضارع و ماضی افعال بلوچی از صورت ایرانی باستان آن به بلوچی امروزی (کرن، ۲۰۰۵)؛ به کارگیری بن‌های مضارع و ماضی فعل‌ها در مثال‌های پراکنده برای بحث رده‌شناسی زبان بلوچی (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۲۰-۳۲۵). با این پژوهش‌ها، طرح این مقاله در نوع خود تازه است.

از آنجا که صرف فعل در مقولات مختلف مانند شخص، شمار، زمان، باب و نمود و ... و بسیاری از ساخت‌های وجه وصفی و اشتقاق کلمات و آموزش و یادگیری زبان و استانداردهای زبان رابطه مستقیمی با دانستن بن ماضی و مضارع افعال دارد، این تحقیق شده است. در واقع، اهمیت آشنایی با بن ماضی افعال بیشتر بر این موضوع متمرکز است که اولاً، در ساخت و صرف واژگان بلوچی در موارد زیر از بن ماضی استفاده می‌شود: یکی از دو نوع مصدر^(۲)، صفت‌های مفعولی^(۳)، صفت لیاقت^(۴)، بعضی اسم‌ها^(۵)، بعضی ترکیبات^(۶) و ...

1. Standard Balochi

دوم، اگر در جهت معیارسازی واژگان بلوچی، به خصوص در مبحث فعل کاری شود، انتخاب صورت معیار در میان صورت‌های متنوع ارتباط مستقیم با بن ماضی دارد. پس از معرفی هر نوع ساخت بن ماضی، به صورت مجزا که جمعاً ده نوع را در بر می‌گیرد، زیر هر کدام به ترتیب از نوع اول تا دهم مثال‌هایی برحسب فراوانی مثال‌ها به صورت شماره‌پی‌درپی ارائه می‌گردد. پس از آشنایی با انواع ساخت‌ها و مثال‌های آن، به تبیین موارد آوایی و بسامد آنها با دیدگاهی در زمانی و هم‌زمانی پرداخته می‌شود. منبع پایه این مقاله، مجموعه ۲۱۰ فعل است که در مقاله محمودزهی، ۱۳۸۵ فهرست شده‌اند. این فعل‌ها براساس تکواژ ماضی‌سازی که می‌گیرند دسته‌بندی و همه با بن‌های مضارع و ماضی فرهنگ بلوچی - فارسی (جهان‌پدیده، ۱۳۹۶) مطابقت داده شده‌اند.

۲- بحث

۲-۱- تعاریف بن مضارع و بن ماضی

۲-۱- الف. بن مضارع در بلوچی با پایه فعل یکسان است. به عبارت دیگر، پایه فعل از طریق اشتقاق صفر به بن مضارع تبدیل می‌شود. این پدیده را می‌توان بدین صورت نمایش داد: پایه فعل + (اشتقاق صفر) < بن مضارع (محمودزهی، ۱۳۸۵: ۳).

۲-۱- ب. برای بن ماضی در بلوچی نشانه ماضی‌ساز به پایه فعل اضافه می‌شود. در این صورت، ممکن است برای فعل‌های باقاعده پایه فعل بدون تغییر باقی بماند یا برای فعل‌های بی‌قاعده تغییرات واجی در پایه فعل پدید آید. ساخت فرایند بن ماضی برای فعل‌های باقاعده و بی‌قاعده به قرار زیر است:

۲-۲- ساخت فعل‌های باقاعده و بی‌قاعده

۲-۲- الف. فعل‌های باقاعده: پایه فعل + (-ât, -et, -t) < بن ماضی.

۲-۲- ب. فعل‌های بی‌قاعده: تغییرات متفاوت واجی با گشتارهایی در پایه فعل < بن ماضی (همان: ۴).

۲-۳- انواع ساخت بن ماضی

ساختار فعل به حوزه صرف زبان مربوط می‌شود و براساس ویژگی‌های صوتی یا قواعد دیگر می‌توان بن‌های ماضی افعال بلوچی را به گونه‌های مختلف دسته‌بندی کرد. برای مثال، بهروز دلفروز (۲۰۰۳: ۲۷-۳۰) بن‌های ماضی افعال بی‌قاعده بلوچی را در گویش سرحدی براساس واج‌های پایانی پایه‌های فعلی به هفت نوع تقسیم و دو نوع دیگر را خارج از بحث واج‌های

پایانی پایه‌های فعلی مطرح کرده‌است. اما در این مقاله ملاک دسته‌بندی پایانه اشتقاقی است که به پایه فعل می‌پیوندد و به واج پایانی پایه ارتباطی ندارد. مطابق الگوی کار در این مقاله، ساخت بن ماضی در افعال بلوچی دارای ده صورت به شرح زیر است.

نوع اول - بن‌های ماضی که در فعل‌های باقاعده با نشانه ماضی ساز -ât ساخته می‌شوند، مانند:

۱. (hōšt-ât) بن ماضی، از پایه فعل (hōšt) به معنی «ایستادن»

نوع دوم - بن‌های ماضی که در فعل‌های باقاعده با نشانه ماضی ساز -et ساخته می‌شوند، مانند:

۲. (âj-et) بن ماضی، از پایه فعل (âj) به معنی «آجیدن»

۳. (čorr-et) بن ماضی، از پایه فعل (čorr) به معنی «سرازیر شدن»

۴. (dranz-et) بن ماضی، از پایه فعل (dranz) به معنی «پاشیدن، افشاندن»

۵. (rêz-et) بن ماضی، از پایه فعل (rêz) به معنی «پوده و فرسوده شدن»

۶. (rakk-et) بن ماضی، از پایه فعل (rakk)^(۷) به معنی «نجات یافتن»

نوع سوم - بن‌های ماضی که در فعل‌های باقاعده با نشانه ماضی ساز -t ساخته می‌شوند، مانند:

۷. (yâr-t) بن ماضی، از پایه فعل (yâr) به معنی «آوردن»

۸. (zân-t) بن ماضی، از پایه فعل (zân-) به معنی «دانستن»

۹. (ramên-t) بن ماضی، از پایه فعل (ramên) به معنی «حمله کردن»

۱۰. (šân-t) بن ماضی، از پایه فعل (šân) به معنی «پرتاب کردن، استفرغ کردن»

۱۱. (kap-t) بن ماضی، از پایه فعل (kap) به معنی «افتادن»

نوع چهارم - بن‌های ماضی که در فعل‌های باقاعده به صورت گونه‌های آزاد^(۸) هم با نشانه

ماضی ساز -et و هم با -ât ساخته می‌شوند، مانند:

۱۲. (bakš-et/bakš-ât) بن‌های ماضی، از پایه فعل (bakš) به معنی «بخشیدن»

نوع پنجم - بن‌های ماضی که در فعل‌های باقاعده به صورت گونه‌های آزاد هم با نشانه

ماضی ساز -et و هم با -t ساخته می‌شوند، مانند:

۱۳. (tâp-et/tâp-t) بن‌های ماضی، از پایه فعل (tâp) به معنی «تافتن»

۱۴. (trapp-et/trapp-t) بن‌های ماضی، از پایه فعل (trapp) به معنی «زیرگرفتن»

۱۵. (šalâp-et/šalâp-t) بن‌های ماضی، از پایه فعل (šalâp) به معنی «مایعات را دور ریختن»

۱۶. (hoš-et/hoš-t) بن‌های ماضی، از پایه فعل (hoš) به معنی «خشک شدن»

نوع ششم - بن‌های ماضی که به دو صورت با قاعده (همراه با نشانه ماضی ساز -et) و بی‌قاعده (با صورت‌های متنوع) خود را می‌نمایانند، مانند:

۱۷. tač-et/tatk) بن‌های ماضی، از پایه فعل (tač) به معنی «دویدن، تاختن»

۱۸. sâč-et/saht) بن‌های ماضی، از پایه فعل (sâč) به معنی «ساختن، مناسب بودن»

۱۹. somb-et/sopt) بن‌های ماضی، از پایه فعل (somb) به معنی «سُفتن، سوراخ کردن»

۲۰. bôj-et/boht) بن‌های ماضی، از پایه فعل (bôj) به معنی «رها کردن»

۲۱. gêj-et/geht) بن‌های ماضی، از پایه فعل (gêj) به معنی «سقط کردن»

نوع هفتم - بن‌های ماضی که به دو صورت با قاعده (همراه با نشانه ماضی ساز -t) و بی‌قاعده (با صورت‌های متنوع) خود را می‌نمایانند، مانند:

۲۲. prôš-t/prošt) بن‌های ماضی، از پایه فعل (prôš) به معنی «شکستن»^(۹)

نوع هشتم - بن‌های ماضی فعل‌های بی‌قاعده‌ای که فقط به یک صورت ظاهر می‌شوند، مانند:

۲۳. šošt) بن ماضی، از پایه فعل (šôd) به معنی «شُستن»

۲۴. sest) بن ماضی، از پایه فعل (send) به معنی «گُستن»

۲۵. (yaht)^(۱۰) بن ماضی، از پایه فعل (yâ) به معنی «آمدن»

۲۶. ropt) بن ماضی، از پایه فعل (rôp) به معنی «رُفتن، جارو کردن»

۲۷. mešt) بن ماضی، از پایه فعل (mêz) به معنی «ادرار کردن»

نوع نهم - بن‌های ماضی فعل‌های بی‌قاعده‌ای که خود را به بیش از یک صورت می‌نمایانند، مانند:

۲۸. meht/mêtk/metk) بن ماضی، از پایه فعل (meč) به معنی «مکیدن»

۲۹. doht/dôtk) بن ماضی، از پایه فعل (dôč) به معنی «دوختن»

۳۰. zet/zit) بن ماضی، از پایه فعل (zen) به معنی «به زور گرفتن»

۳۱. nešt/nest) بن ماضی، از پایه فعل (nend) به معنی «نشستن»

۳۲. kort/kot/kert)^(۱۱) بن ماضی، از پایه فعل (kan) به معنی «کردن»

۳۳. grast/grâst)^(۱۲) بن ماضی، از دو پایه (grad/grâd) به معنی «پُختن»

نوع دهم - فعل‌های دوپایه‌ای^۱ که بن‌های مضارع و ماضی آنها از دو پایه مختلف می‌آیند و در دسته فعل‌های بی‌قاعده جای می‌گیرند، مانند:

۱. suppletive verbs

۳۴. (dit/dist) بن ماضی، از پایه‌های فعلی (diten/disten/gendag) به معنی «دیدن»

۳۵. (šot) بن ماضی، از پایه‌های فعلی (šoten/rapten) به معنی «رفتن»

۳۶. (but/bit) بن ماضی، از پایه‌های فعلی (buten/biten/hasten) به معنی «بودن/

هستن»^(۱۳)

۲-۴- تجزیه و تحلیل انواع بن‌های ماضی

برای تحلیل صورت‌های متنوع بن ماضی ناگزیریم وارد مطالعات تاریخی زبان بلوچی شویم اما از آنجا که عمر مستندات مکتوب این زبان کوتاه است، ناگزیر به زبان‌های خویشاوند، مانند فارسی متوسل می‌شویم. قدمت کهن‌ترین نوشته‌ها به بلوچی به کمتر از دو قرن می‌رسد و اطلاعاتی از بلوچی باستان، میانه و متأخر در دست نیست^(۱۴). با این حال، بررسی ساخت‌های مذکور نشان می‌دهد که این تنوع صورت‌ها به دو دلیل است: تحول تاریخی اصوات و قیاس با افعال دیگر. اکنون به بررسی این دو دلیل در تنوع بن‌های ماضی‌ساز فعل‌ها می‌پردازیم.

۲-۴- الف. تبیین تحول تاریخی اصوات و بسامد انواع ده‌گانه ساخت بن ماضی

صورت بن ماضی فعل بلوچی از پایه فعل و پایه فعل از ریشه باستانی آن ساخته می‌شود^(۱۵). در زبان‌های ایرانی باستان، ریشه فعل عمدتاً با گردش واکه‌ها^(۱۶)، به صورت‌های مختلف (ضعیف، قوی، قوی‌تر) درمی‌آید. این پدیده در بلوچی باقی مانده است (دلفروز، ۲۰۰۳: ۲۱). افزون بر این، نشانه ماضی‌ساز امروزی بلوچی واج /t/ است که خود را به صورت سه‌گانه /et/، /ât/ نشان می‌دهد و آن همان واج /t/ است که در فارسی میانه و فارسی نو خود را با چهار گونه به صورت /t/، /d/، /âd/، /âd/ می‌نمایاند (همان: ۲۵). اکنون به تبیین تحول تاریخی اصوات و بسامد انواع ده‌گانه ساخت بن ماضی پرداخته می‌شود.

نوع اول، مثال ۱: این ساخت بن ماضی‌ساز باقاعده به تنهایی فقط در همین یک فعل و به صورت گونه آزاد در نوع چهارم، مثال ۱۲ نیز به چشم می‌خورد. به نظر می‌آید که کم‌کاربردترین نشانه بن ماضی‌ساز برای فعل‌های باقاعده همین -ât است. نشانه -ât خود گونه‌ای از t است و از نظر تاریخی t خود بازمانده‌ای از پسوند صفت مفعولی‌ساز -ta (با حذف واکه پایانی a) در زبان‌های ایرانی باستان است. نشانه‌های بن‌های ماضی‌ساز فارسی امروز هم بازمانده پسوند -ta ایرانی باستان است (همان: ۲۵).

نوع دوم، مثال‌های ۲-۶: این ساخت بن ماضی ساز باقاعده، پربسامدترین ساخت است. نشانه ماضی ساز -et- نیز مانند -ât- گونه‌ای از t است و از نظر تاریخی t خود بازمانده‌ای از پسوند صفت مفعولی ساز -ta- (با حذف واکه پایانی a) در زبان‌های ایرانی باستان است. همچنین، تمام پایه‌های فعلی که به صوت مشدد ختم می‌شوند، با این نشانه به بن ماضی تبدیل می‌شوند. این نوع ساخت به صورت گونه آزاد در ساخت‌های نوع ۴، ۵ و ۶ نیز کاربرد دارد. به عبارتی، این نوع ساخت باقاعده‌ترین ساخت بن ماضی ساز برای فعل‌های باقاعده بلوچی در گویش‌های غربی است که در گویش‌های شرقی گاهی خود را به صورت -eθ- می‌نمایاند. به عبارت دیگر، این نوع ساخت باقاعدگی بن ماضی در بلوچی را نشان می‌دهد^(۱۷) و بالاترین بسامد را دارد. می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده هر کدام از فعل‌های بی‌قاعده که میل به باقاعده شدن داشته باشند، براساس اصل قیاس خود را با این ساخت همگون کنند.

نوع سوم، مثال‌های ۷-۱۱: این ساخت بن ماضی ساز باقاعده، پس از نوع دوم بیشترین بسامد را دارد. از نظر تاریخی، پسوند -t- در این نوع بازمانده‌ای از پسوند صفت مفعولی ساز -ta- (با حذف واکه پایانی a) در زبان‌های ایرانی باستان است. این نوع ساخت به صورت گونه آزاد در ساخت نوع ۷ نیز کاربرد دارد. همچنین، پایه‌های فعلی که به پایانه سببی ساز -ên- ختم می‌شوند، با گرفتن همین نشانه بن ماضی آنها شکل می‌گیرد. بسامد فعل‌های باقاعده با نشانه ماضی ساز -t-، از -et- سازها کمتر و از -ât- سازها بیشتر است.

نوع چهارم، مثال ۱۲: این ساخت بن ماضی ساز باقاعده که صورت‌های انواع اول و دوم را یکجا در خود نشان می‌دهد، به نظر می‌آید که نشانگر اختلافات گویشی باشد^(۱۸). از نظر بسامد، در این پژوهش تنها همین یک مورد از آن دیده شده است.

نوع پنجم، مثال‌های ۱۳-۱۶: این ساخت بن ماضی ساز باقاعده که صورت‌های انواع دوم و سوم را یکجا در خود نشان می‌دهد، به نظر می‌آید که اختلافات گویشی را نشان می‌دهد و از صورت نوع سوم خود را براساس اصل قیاس با نوع دوم منطبق کرده‌اند. بنابراین صورت نوع سوم را می‌توان صورت اصلی، و صورت نوع دوم را صورت قیاس شده/ ثانویه در نظر گرفت. تعداد این گونه افعال نسبتاً چشمگیر است.

نوع ششم، مثال‌های ۱۷-۲۱: این ساخت بن ماضی ساز دو صورت باقاعده و بی‌قاعده را هم‌زمان برای یک فعل نشان می‌دهد. صورت باقاعده آن مانند نوع دوم است و صورت‌های

بی‌قاعده آن به شکل‌های متنوع خود را می‌نمایانند. به نظر می‌آید از نظر تاریخی، صورت بی‌قاعده اصالت بیشتری دارد و صورت باقاعده، در واقع، به قیاس با نوع دوم، بعداً ساخته شده‌است. این ساخت، غالباً برای فعل‌هایی استفاده می‌شود که پایه آنها به یکی از واج‌های /č/، /z/ و /b/ ختم می‌شود. این ساخت نیز نسبتاً پرکاربرد است.

نوع هفتم، مثال ۲۲: این ساخت بن ماضی ساز دو صورت باقاعده و بی‌قاعده را هم‌زمان برای یک فعل نشان می‌دهد. صورت باقاعده آن مانند نوع سوم است و صورت بی‌قاعده آن به شکلی دیگر خود را می‌نمایاند. صورت بی‌قاعده اصالت بیشتری دارد و صورت باقاعده در واقع به قیاس نوع سوم، بعداً ساخته شده‌است. این ساخت کاربرد نسبتاً محدودی دارد و لازم یا متعددی بودن فعل در این خصوص مؤثر است.

نوع هشتم، مثال‌های ۲۳-۲۷: این ساخت بن ماضی ساز بی‌قاعده کاربرد نسبتاً بسیاری دارد. این ساخت از نظر تاریخی نمایانگر صورت‌های قدیمی‌تری در بلوچی است که قواعد قیاسی هنوز بر آن تأثیر نگذاشته‌است، همچنین بیشتر مربوط به پایه‌های فعلی یک‌بخشی است که پایه آنها به واج‌های دندان‌ی و سایشی ختم می‌شوند.

نوع نهم، مثال‌های ۲۸-۳۳: این ساخت بن ماضی ساز بی‌قاعده که تمام گونه‌های آزاد آن با یکدیگر فرق دارند، نسبتاً پرکاربرد است و بیشتر نمایانگر اختلافات گویشی، بافت اجزای افعال و رد پای بازمانده‌های تاریخی است.

نوع دهم، مثال‌های ۳۴-۳۶: این ساخت ماضی ساز بی‌قاعده به فعل‌های دوپایه‌ای مربوط می‌شود که بیشتر گویای روند تاریخی بلوچی است. البته در خصوص بن‌های ماضی فعل‌های دوپایه‌ای اختلافات گویشی نیز مشهود است. برای مثال، جهانی (۱۹۸۹) صورت ماضی فعل rawag (رفتن) را از پایه‌ای دیگر می‌گیرد؛ -šot از شُدَن، در حالی که در گویش بمپوری صورت ماضی آن از همان یک پایه به صورت rapt رایج است. این اختلاف تابع اصل قیاس از فعل‌های دیگر مانند -raw/-rapt، /kapt-ka(p) و شاید هم قرض‌گیری از زبانی مانند فارسی باشد^(۱۹)، همچنان‌که در فارسی امروز هر دو بن از یک پایه می‌آیند به صورت -rav/-raft^(۲۰). افزون‌بر این، بن ماضی فعل «شُدَن» در فارسی معیار امروز بیشتر در کاربرد ادبی و به‌عنوان فعل کمکی در صرف ماضی نقلی و بعید رایج است. در بعضی از گویش‌های فارسی مانند نیشابوری در کاربرد گفتاری برای فعل کمکی هم از پایه roftan (رفتن) به‌عنوان فعل کمکی استفاده می‌شود و شُدَن رایج نیست (نک. حشمتی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

۲-۴-ب. قیاس

دلفروز (۲۰۰۳: ۲۶) نشانه بن ماضی ساز بلوچی امروز را واج /t/ می‌داند که خود را به صورت سه گونه /t/، /et/ و /ât/ نشان می‌دهد. در واقع، او این گونه ساخت را قیاسی می‌داند. آراتو (۱۳۷۳: ۱۷۹) در تعریف قیاس می‌گوید: «قیاس روندی است که به موجب آن صورتی در یک زبان با صورتی دیگر که با آن به نوعی مرتبط است، همانند می‌گردد. کارکردهای روند قیاس هیچ صورت یا مقوله جدیدی در یک زبان به وجود نمی‌آورد، بلکه تنها سبب گسترش یا تعمیم صورت‌های از پیش موجود می‌گردد». غالباً قیاس زمانی صورت می‌گیرد که بعضی از صورت‌های زبانی به خاطر تغییرات آوایی یا روابط دستوری، چندگانه و به اصطلاح بی‌قاعده می‌شوند. در این صورت، زبان سعی می‌کند به کمک قواعد غالب، اکثریت و تخصصی‌شده، قواعد چندگانه را یکسان‌سازی و به اصطلاح باقاعده کند. در روند بن ماضی‌سازی بلوچی ملاحظه می‌شود که واج /t/ گسترش یافته و از یک صورت به سه صورت درآمده‌است. اکنون به نمونه‌هایی از فرایند قیاس^(۲۱) در یکی از صورت‌های دوگانه ماضی‌ساز از شماره ۱۶ تا ۱۹ (صورت et-دار) اشاره می‌شود. در واقع، در مثال‌های زیر، صورت بدون et- بن ماضی اولیه و صورت et-دار بن ماضی ثانویه (قیاس‌شده) محسوب می‌شود.

(tač-et/tatk) بن‌های ماضی، از پایه فعل (tač) به معنی «دویدن، تاختن»

(sâč-et/saht) بن‌های ماضی، از پایه فعل (sâč) به معنی «ساختن، مناسب بودن»

(somb-et/sopt) بن‌های ماضی، از پایه فعل (somb) به معنی «سفتن، سوراخ کردن»

(preñč-et/preht) بن‌های ماضی، از پایه فعل (preñč) به معنی «فشردن»

فعل‌های جعلی هم خود را با این نوع ساخت منطبق کرده‌اند، مانند:

(dozz): دزد، با بن ماضی (dozz-et) «دزدید»

(jang): جنگ، با بن ماضی (jang-et) «جنگید»

(čokk): بوسه، با بن ماضی (čokk-et) «بوسید»

۳- نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد:

- بن ماضی فعل، اعم از باقاعده و بی‌قاعده، به‌خاطر کاربرد آن در ساخت یکی از دو نوع مصدر، صفت‌های مفعولی، صفت لیاقت، بعضی اسم‌ها، بعضی ترکیبات، و موارد دیگر در زبان بلوچی اهمیت زیادی دارد.

- نشانه شاخصِ بنِ ماضی‌ساز بلوچی امروز واج /t/ است که خود را به صورت سه گونهٔ /t/، /et/ و /â/ نشان می‌دهد و آن همان واج /t/ است که در فارسی میانه و فارسی نو خود را با چهار گونه به صورت /t/، /d/، /âd/ و /âd/ می‌نمایاند. مطابق الگوی کار در این مقاله، ساخت بن ماضی در افعال بلوچی دارای ۱۰ صورت (۵ صورت باقاعده و ۵ صورت بی‌قاعده) است که باقاعده‌ترین و پُرسامدترین آنها نوع دوم است و به عبارتی بن ماضی‌ساز بلوچی است. براین اساس، می‌توان پیش‌بینی کرد چنانچه در آینده هر کدام از فعل‌های بی‌قاعده میل به باقاعده شدن داشته باشند، یا فعل جدیدی در زبان بلوچی ساخته شده، یا به آن وارد شود، براساس اصل قیاس، غالباً خود را با ساختِ نوع دوم همگون می‌کند.

- این تنوع صورت‌ها دو دلیل دارد: تحول تاریخی اصوات و قیاس با افعال دیگر. این دو عامل عمده به اختلافات گویشی و دشواری معیارسازی زبانی برای بلوچی معیار منجر می‌شود.

پی‌نوشت

۱. ساخت بن ماضی باقاعده معادل پایهٔ فعل + (-t, -et, -â) است و بن ماضی بی‌قاعده با تغییرات متفاوت واجی با گشتارهایی در پایهٔ فعل ایجاد می‌شود.
۲. مانند jat-en با بن ماضی در مقابل jan-ag با بن مضارع در معنی مصدری زدن.
۳. مانند bort-agên صورت صفت مفعولی در معنی برده شده.
۴. مانند wârt-eni بن ماضی از فعل wârt-en/war-ag، به معنی قابل خوردن.
۵. مانند kešt-en بن ماضی از فعل kešt-en/keš-ag، به معنی کشت، دورهٔ کشت.
۶. مانند košt-en بن ماضی از فعل košt-en/koš-ag، در ترکیب košt o košâr به معنی قتل و کشتار.
۷. در بعضی از فعل‌ها، لازم یا متعدی بودن فعل در گرفتن نشانهٔ ماضی‌ساز تفاوت ایجاد می‌کند. مانند پایهٔ فعل rakk (نجات یافتن) در مقابل rakkên (نجات دادن)، اولی نشانهٔ ماضی‌ساز -et و دومی -t می‌گیرد، بدین صورت: rakk-en و rakkên-t.
۸. در مطالعات زبانی، گونه‌های آزاد (free variants) به معنی آن است که کاربرد یک عنصر زبانی مانند واج، تکواژ، ساخت نحوی و ... به دو یا چند گونه به صورت هم‌زمان در یک زبان رایج باشد.
۹. در اینجا تفاوت به خاطر لازم یا متعدی بودن فعل است. برای موارد دیگر نک. پی‌نوشت‌های ۸ و ۱۲.
۱۰. در بعضی گویش‌ها به صورت -â/-hâ (در گویش‌های رخشانی) و به صورت -âtk در گویش‌های سربازی و زرباری نیز دیده می‌شود.

۱۱. در گویش بلوچی شرقی بن ماضی این فعل به صورت koht- دیده می‌شود (نک. جهانی، ۱۹۸۹: ۱۷۳، یا رساله دکتری شه‌بخش، ۲۰۰۴).
۱۲. در این مورد تفاوت به خاطر لازم یا متعدی بودن فعل است (برای موارد دیگر نک. پانوش‌های ۸ و ۹).
۱۳. جالب اینکه همین فعل‌ها در فارسی هم از دو پایه مختلف هستند (برای فعل‌های دوپایه‌ای فارسی، نک. طباطبایی، ۱۳۷۶: ۴۶ و برای ریشه این فعل‌ها نک. برجسته دلفروز، ۲۰۰۳: ۲۷).
۱۴. محتوای شعرهای حماسی و تغزلی بازمانده از حدود ۵۰۰ سال پیش و تاریخ شفاهی قبایلی مانند رند و لاشار، از زبان آن دوره اطلاعاتی به خواننده می‌دهند (نک. عبدالغفور جهان‌دیده، حماسه سرایی در بلوچستان، و منظومه‌های عاشقانه بلوچی، ۱۳۹۰؛ میراث فقیرشاد، ویل پرینترز، ۲۰۰۰، پاکستان).
۱۵. لازم است بدانیم که گاه پایه با ریشه یکسان و گاه متفاوت است.
۱۶. برای گردش واژه‌ها در ایرانی باستان نک. ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۳-۵.
۱۷. نظریه اختصاصی/انحصاری شدن این گونه ساخت‌ها متعلق به برئال است (برای نظریه اختصاصی/انحصاری شدن ساخت‌های دستوری نک. آراتو، ۱۳۷۳: ۱۸۴).
۱۸. اختلاف سراوانی در میان گویش‌های غربی با گویش‌های دیگر برجسته و چشمگیر است (برای صورت‌های بن ماضی در گویش سراوانی که با بلوچی معیار متفاوت است، نک. شه‌بخش: ۲۰۰۴).
۱۹. جهانی (۲۰۰۱) اعتقاد دارد که گویش بمپوری این ساخت را از زبان فارسی قرض کرده‌است.
۲۰. برای بن‌های مضارع و ماضی این فعل در زبان فارسی نک. صالحی، زیر مدخل رفتن.
۲۱. پدیده قیاس، در واقع نوعی قرض‌گیری درونی (از بلوچی) و یا بیرونی (غیر از بلوچی) است.

منابع

- ابوالقاسمی، م. ۱۳۹۳. دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: سمت.
- آراتو، آ. ۱۳۷۳. درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه ی. مدرس، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افراشی، آ. ۱۳۹۳. ساخت زبان فارسی، تهران: سمت.
- جهان‌دیده، ع. ۱۳۹۶. فرهنگ بلوچی-فارسی، تهران: معین.
- _____ ۱۳۹۰ الف. حماسه سرایی در بلوچستان، تهران: معین.

- _____ ۱۳۹۰. ب. منظومه‌های عاشقانه بلوچی، تهران: معین.
- حشمتی، ا. ۱۳۹۰. بررسی و توصیف زبان‌شناختی گویش نیشابوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- دبیرمقدم، م. ۱۳۹۲. رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، تهران: سمت.
- رضایی باغبیدی، ح. ۱۳۸۸. تاریخ زبان‌های ایرانی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- صالحی (بختیار)، پ. ۱۳۷۱. فرهنگ مصدری- مصدرهای فارسی و مشتقات آن، تهران: هوش و ابتکار. طباطبایی، ع. ۱۳۷۶. فعل بسیط فارسی و واژه‌سازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فقیرشاد، میراث، ویل پرینترز، ۲۰۰۰م، پاکستان.
- کاتسینر، ک. ۱۳۷۶. زبان‌های جهان، ترجمه ر. هیرمندی (خدادادی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کامری، ب. و دیگران. ۱۳۸۴. زبان‌های دنیا، ترجمه ک. صفوی، تهران: سعاد.
- مالرب، م. ۱۳۸۶. زبان‌های مردم جهان، تهران: علمی و فرهنگی.
- محمودزهی، م. ۱۳۷۷. مقایسه زبان بلوچی با زبان‌های ایرانی باستان، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- _____ ۱۳۸۵. «ساخت و صرف فعل ساده بلوچی»، زبان و زبان‌شناسی، ۱(۲): ۱-۱۶.
- Barjasteh Delforooz, B., 2003, "The Structure of Present and Past Stems in Balochi Compared to Old, Middle and New Persian", *The Baloch and Their Neighbors*, edited by Carina Jahani and Agnes Korn, Reichert Verlag Wiesbaden, pp. 19-31
- Elfenbein, J., 1989, "Balôčî", in Rüdiger Schmit (eds.), *Compendium Linguarium Iranicarum*, Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag, pp. 350-362
- Jahani, C., 1989, *Standardization and Orthography in the Balochi Language*, Acta Universitatis Upsaliensis, Studia Iranica Upsaliensia, 1, Uppsala
- _____. 2001, "Balochi", in Jane Garry & Carl Rubino (eds.), *Facts about the World's Languages: An Encyclopedia of the World's Major Languages, Past and Present*, New York and Dublin: H.W. Wilson Company
- Korn, A., 2005, *Towards a Historical Grammar of Balochi*, Wiesbaden
- Shahbakhsh, A., 2004, *The Balochi Verb: An Etymological Study*, University of London